



## ■ عنوان بندی روی پرده‌ی سیاه

### بیرون شهر. عصر خاکستری. بیرون جا

— صدای کرکننده‌ی آهنگی پُریاهو از پخش صوتِ سواری ایستاده؛ بر زمینه‌ی تهرانِ دودآلود با بُرجهایش. از قاب شیشه‌ایِ جلوی سواری دیده می‌شود یکی گونی به سر کشیده را به جلوی دیوار سیمانی خاکستری رنگی، که بر آن شعارنوشته‌های سیاه‌رنگِ رفته و ناخوانایی از سالها پیش جامانده، هُل می‌دهند. قربانیِ ترسیده، غُران با دهن بسته، با عذابِ تنگِ نفسی نتیجه‌ی سرپوش، و هراسان از صداها و فضای ناشناس، با دستهایی درازشده برای جهت‌یابی و دفاع، می‌کوشد به هرگونه خود را از سرپوش کیسه‌ای خلاص کند.

— تصویر بسیار نزدیک از تبری که پیش می‌آید و با شدت و خشم به هدفش ضربه می‌زند و خون می‌پاشد؛ همراه با ضجه‌ی پیشاپیش خفه‌شده‌ی قربانی.

— تصویر از بخشی از تن بر خود خمیده‌ی قربانی، پوشیده در بارانی خاکستری رنگ، که تبر می‌دردش.

— تصویر از پَره‌پَره‌ی مرد تبربه‌دست که در بارانی سفیدرنگِ تمام‌بسته، با